## كوه ها عماد ونگهابان هم از لحاظ شكل و هم از لحاظ وظيفه

  الله متعال مى فرمايد: "و الجبال أوتادا" (النبأ.7)  
  
" مگركوه ها را عماد و نگهبان زمين نساختيم " (نبا 7)  
  
حقيقت علمى:  
  
از كوه ها در گذشته چيزى نشناخته بود جز آنها عبارت است از توده هاى سنگى بسيار بلند تر از سطح زمين. اين معرفى از كوه ها بود تا وقتيكه (بيير بوجر) در سال 1835م نشأت داد كه توان هاى جذبى كه براى سلسه هاى كوه هاى انديز ضبط شد بسيار كمتر از آنستكه پيش بينى شده از تودهْ بزرگ از سنگ ها بدين حجم است پس پيشنهاد كرد كه بايد يك توده حجيمتر فرورفته از همين مادهء آن كوه ها هست تا تفسير بى قاعدگى در قدر جاذبيت تمام   الله متعال مى فرمايد: "و الجبال أوتادا" (النبأ.7)  
  
" مگركوه ها را عماد و نگهبان زمين نساختيم " (نبا 7)  
  
حقيقت علمى:  
  
از كوه ها در گذشته چيزى نشناخته بود جز آنها عبارت است از توده هاى سنگى بسيار بلند تر از سطح زمين. اين معرفى از كوه ها بود تا وقتيكه (بيير بوجر) در سال 1835م نشأت داد كه توان هاى جذبى كه براى سلسه هاى كوه هاى انديز ضبط شد بسيار كمتر از آنستكه پيش بينى شده از تودهْ بزرگ از سنگ ها بدين حجم است پس پيشنهاد كرد كه بايد يك توده حجيمتر فرورفته از همين مادهء آن كوه ها هست تا تفسير بى قاعدگى در قدر جاذبيت تمام شود و در نيم سدهء نوزدهم جرج نشان داد كه بى قاعدگى در نتجه هاى اندازه گيرى جاذبيت كوه هاى هيمالايا ميان دو موضعيت مختلف هست ايفرست نتوانست اين پديده را تفسير كند  سپس آنرا "رمز هند" نام برد. سپس جرج ابرى در سال 1865م اعلام كرد كه همهء سلسله هاى كوه ها روى سطح كرهء زمين عبارت از توده هاى شناروى روى سطح دريائى از ماده هاى گداخته زير پوست زمين است. و پس اين ماده هاى گداخته با انبوه تر از مادهء كوه ها است. از اينرو بايد كوه ها در اين ماده هاى گداخته با انبوهى زياد فروروند تا عمودى آنرا حفظ كنند بدينطور علم زمين شناسى كم كم كشف كرد كه پوست زمين عبارت از تكه هاى همجوار است و بنام تخته ها يا ظرف هاى قاره اى است و كوه هاى ضخيم روى يك دريا از سنگ هاى نرمى با انبوهى زيادى كه زير آن واقع است شنامى شود.  سپس كوه ها ريشه ها دارد كه آنر ابر شناورى كمك كند     
و آن تخته ها را ثابت كند تا لرزه نشود و درهم و برهم شود زمين شناس وان انجلين در كتاب خود geomorpho logy  كه در سال 1948 م منتشر شد (ص27) نوشت: حالا دريافته شد كه بايد هر كوه روى سطح زمين ريشه داشته باشد. پس از لحاظ كار يا نقش كوه ها در ثابت كردن پوست زمين تاكيد كرده است. كه اساس توازن هيدروستاتى زمين چون زمين شناسى امريكائى داتون سال 1889م گفت: چون مقرر مى فرمايد كه بلندى هاى كوهى در عمق زمين بقدرى هم آهنگى با بلندى آنها فرو مى روند پس حقيقت " تخته هاى زمينى " كه سال 1969 موكد شد چون روشن شد كه كوه ها توازن هر تخته از تخته هاى پوست زمين است  
  
جهت معجزه گرى  
  
در وقتيكه انسان حقيقت كوه ها را تا نيم سدهء نوزدهم نشناخته بود قرآن مجيد در اين آيهء كريمه تاكيد كرد كه كوه ها مانند ميخ ها هم از لحاظ شكل و هم از لحاظ وظيفه است.  سپس اين تشبيه دقيقى در اين اواخر روشن شد باتوجه به آنستكه ميخ جزوه نمايان روى سطح زمين و جزوهء ديگر فرورفته در لايهء پوست زمين آن آنچه بدان پيوسته است ثابت كند همچنين كوه ها يك جزوهء نمايان روى پوست زمين وجزوه ديگردر لايه آن فرورفته و هم آهنگى با بلندى آن دارد و وظيفه كوه ها ثابت كردن تخته هاى پوست زمين است و آنرا از لرزيدگى در و بر همى  بعلت پردهء گداخته كه زير آن است جلوگيرى كند. بدين طور روشن مى شود كه اين كتاب گفتار الله متعال آفريدگار كوه ها و هستى ها است برطبق گفتار الله بزرگوار كه مى فرمايد:  
  
"ألا يعلم من خلق و هو اللطيف الخبير" (الملك.14) يعنى: "آيا آن خدائيكه خلق را آفريده عالم نيست و حال آنكه او بباطن امور عالم آگاهست" (سورهء الملك 14)